

گازنامه علمی - دانشجویی

نشریه دادگستر

گاز

نشریه دادگستر

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه هرمزگان



فهرست

3

یادداشت سردبیر

5

دگرگونی نقش وکیل مدافع به
تسهیل‌گر گفت و گوی حقوق و
جامعه
نویسنده: دکتر محمد صادقی

9

شرح حال واقعه ی قتل
در شب عروسی نازنین و بهزاد
نویسنده: بهار جلیلیان

13

چرا از قانون می گریزیم؟
نویسنده: محدثه حسینی

18

کودک همسری
نویسنده: حسین سالاری

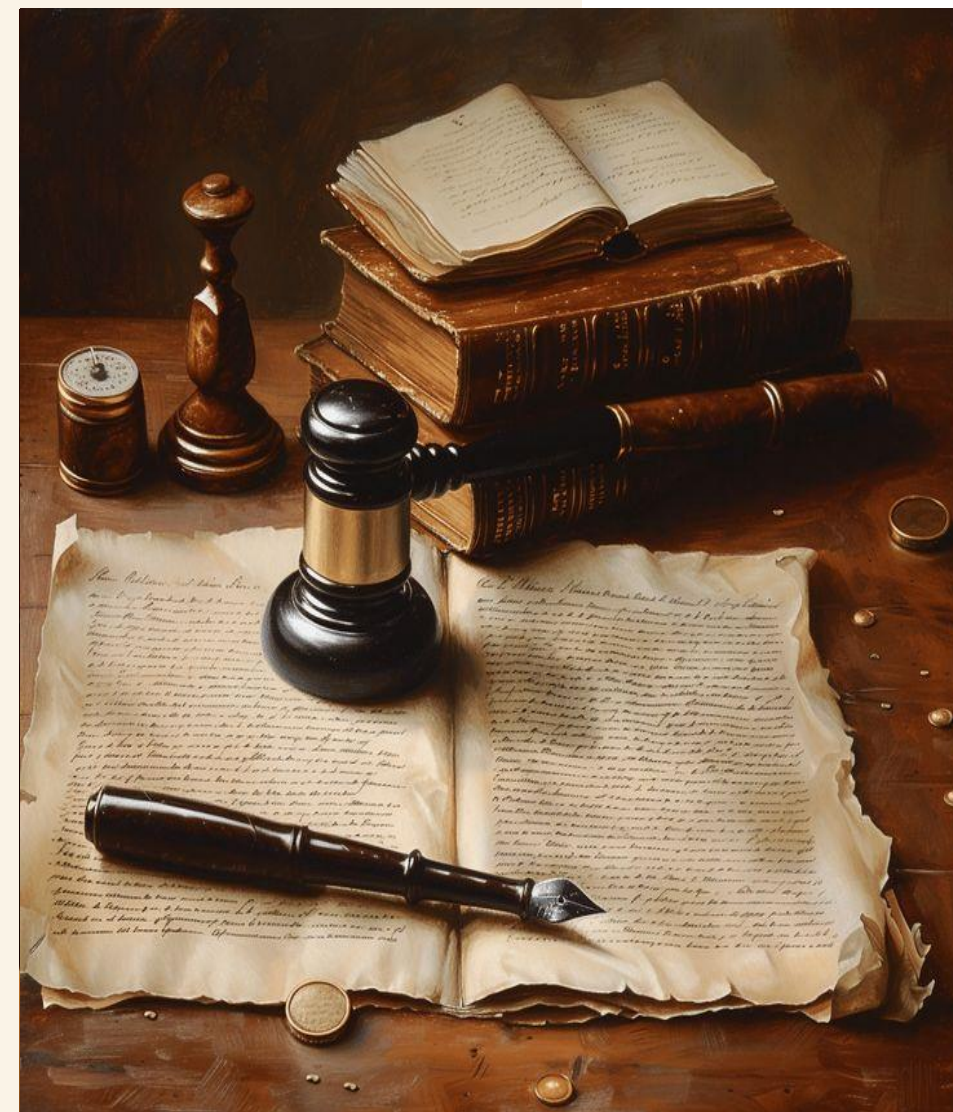
23

نگاهی اجمالی به سقط جنین از منظر
حقوق بین الملل بشر و نظام های
حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
نویسنده:
منصور فرخی / زهرا هاشمی

25

منابع

یادداشت سردیر



یادداشت سردیر

بر همین اساس، نشریه‌ی «دادگر» تلاشی است هرچند کوچک، اما از دل دغدغه‌مندی و امید، برای چکاندن قطره‌هایی از معرفت دریای بزرگ حقوق. در این شماره نیز، کوشیده‌ایم تا در قالب تحلیل، گفتگو، یادداشت و بررسی، دریچه‌هایی را به روی خواننده بگشاییم. نه با ادعای کامل بودن، بلکه با نیت هم‌افزایی و دعوت به مشارکت جمعی در مسیر فهم دقیق‌تر، عمیق‌تر و انسانی‌تر از حقوق.

دادگر نه به دنبال بلندگویی برای تکرار کلیشه‌هاست، نه به دنبال جلب نگاه‌های گذرا؛ بلکه مأموریتی دارد روشن: زنده نگه‌داشتن شعله‌ی تفکر، گشودن فضای گفت‌وگو و دعوت به مطالعه و مشارکت در بازتعریف برخی مفاهیم.

در پایان، یادمان نرود که حقوق، اگرچه علمی مکتوب و مدون است، اما در ذات خود، صدایی است زنده برای عدالت. بیایید نگذاریم این صدا خاموش شود.

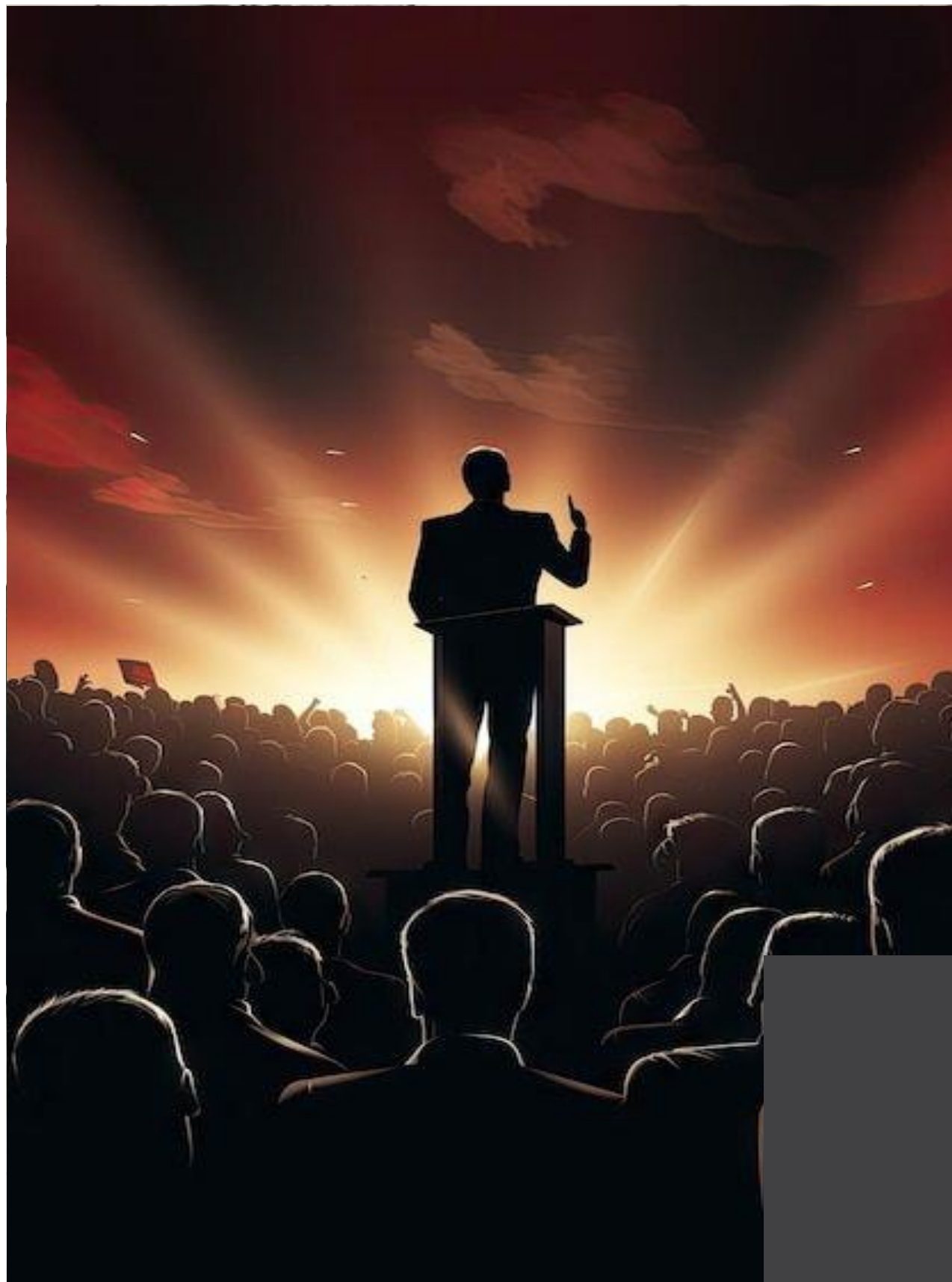
با احترام

محدثه حسینی - سردبیر نشریه دادگر

جامعه‌ی حقوق، دیگر تنها محفلی برای تکرار آراء گذشتگان یا بازگویی آموزه‌های مکتب‌های حقوقی نیست؛ بلکه به آوردگاهی بزرگ بدل شده است، آوردگاهی که هر روز بر شمار جنگاورانش افزوده می‌شود. این میدان، میدانی است بی‌نیاز از سلاح و زره، اما نیازمند ذهن‌هایی مسلح به علم، آگاهی، تحلیل و شهامتِ اندیشیدن. نبرد در این کارزار، نبردی خاموش ولی پرحرارت است؛ رقابتی بی‌هیاهو اما نفس‌گیر؛ و تنها آنان که بیشتر می‌خوانند، ژرف‌تر می‌نگرند، دقیق‌تر می‌فهمند و سنجیده‌تر می‌نویسند، شایستگی آن را می‌یابند که نام خود را در حاشیه‌ی تاریخ این علم ثبت کنند.

در این میان، تقلید کورکورانه از دانسته‌های دیگران نه راه میانبر که سراسیمگی سقوط است. بازگویی بی‌تحلیل نظریات و تسلیم در برابر هیبت نام‌ها، همواره بزرگ‌ترین مانع رشد اندیشه بوده است. علم حقوق، همچون پیکری زنده و پویا، تنها در پرتو نقد، پرسش و نوآوری به حیات خود ادامه می‌دهد. این علم محتاج ارسطوهای است که در کمال احترام، اما با شجاعت و استقلال، رد پای خود را از مسیر افلاطون‌ها جدا کنند و جسورانه، اما مسئولانه، بر سنگفرش اندیشه گام نهند.

اگر ما، وارثان این دانش سترگ، به سطح بسنده کنیم و از ورود به ژرفای مفاهیم پرهیز نماییم، دیری نخواهد پایید که دریای پُربار حقوق را چون بیابانی خشک و تن‌ارزنده اش را بی‌جان خواهیم دید. علمی که روزگاری مایه‌ی برپایی عدالت و ترازوی سنجش حق و باطل بوده، در سایه‌ی بی‌تفاوتی ما می‌تواند به سلسله‌ای از الفاظ بی‌معنا و مقررات بی‌روح بدل گردد. و این، نه خطای زمانه، بلکه غفلت ماست.



دگرگونی نقش و کیل مدافع به تسهیل گر گفت و گوی حقوق و جامعه

نویسنده: دکتر محمد صادقی

دانشیار حقوق اقتصادی تطبیقی، هیات علمی گروه حقوق دانشگاه هرمزگان



مدیریت ریسک، بهینه سازی روابط و پیش بینی چالش ها پیش از بروز بحران هاست. اما در فلسفه نوین حقوق، قانون میدان نبرد تعریف نمی شود، بلکه بستری برای همزیستی اجتماعی است. به قول هگل در نظریه دیالکتیک خود تأکید داشت که تکامل اجتماعی زمانی رخ می دهد که تعارض ها نه از طریق حذف یک طرف، بلکه از طریق سنتزی هوشمندانه مدیریت شوند. (هگل در نظریه دیالکتیکی خود بیان می کرد که هر دعوا (تز) و ضد دعوا (آنتی تز)، در نهایت باید به سنتز یا سازشی منجر شود که حقیقتی والاتر را متجلی سازد). در همین راستا، وکیل دیگر بازیگر یک تقابل حقوقی نیست، بلکه عنصری از فرآیند تعدیل و تنظیم منافع در سطوح کلان و خرد محسوب می شود. چون می داند به قول افلاطون: "نظم اجتماعی نه از طریق اجبار، بلکه با تنظیم صحیح منافع شکل می گیرد."

تحولات اساسی در فلسفه حقوق، نقش وکیل را از مدافع تغییر داده است:

۱. تغییر نقش از مدافع صرف قانون، به یک مفسر و تعدیل کننده نظم حقوقی: این نقش با گذار از عدالت صوری به عدالت مادی در فلسفه حقوق رخ داد زیرا در نگرش کلاسیک، عدالت به معنای اجرای قوانین به شکلی صوری بود. اما با ظهور اندیشه هایی چون نظریه عدالت جان راولز و نقدهای رونالد دورکین، دریافتیم که قانون، زمانی عادلانه است که در عمل نیز منجر به برابری واقعی شود. این تحول، نقش وکیل را از یک مدافع صرف قانون، به یک مفسر و تعدیل کننده نظم حقوقی تغییر داده است.

تحول در نقش وکیل، دیگر یک نظریه یا پیش بینی آینده نیست؛ بلکه واقعیتی است که در نتیجه تغییرات بنیادی در فلسفه حقوق، نظام های حکمرانی، و فناوری های نوظهور در حال شکل گیری است. ما از دوره ای عبور کرده ایم که در آن وکیل به عنوان مدافع حق، کنشگر دفاعی، یا کنشگر در محکمه یا... بود و وارد عصری شده ایم که با تحولات حق از حق بودن به حق داشتن، نقش وکیل نیز از مدافع و کنشگر به تسهیل گر و تنظیم گر یا معمار توازن حقوقی تبدیل شده است! او عامل بهینه سازی روابط، هماهنگی نهادها و نظام های ساختاری است تا به حل مسئله برسد و از انفعال نجات دهد. امروزه او یک معمار توازن حقوقی، تسهیل گر جریان های اقتصادی-اجتماعی و نهادساز در عرصه حکمرانی است.

نقطه و مسیر عزیمت

ما در نظام حقوقی شاهد گذار از دفاع حقوقی به سمت مدیریت ریسک و حکمرانی مشارکتی هستیم!

نظام های حقوقی سنتی بر اساس دوگانه ی دعوا و دفاع شکل گرفته بودند، در سنت حقوقی کلاسیک، وکالت بر تقابل بنا شده بود؛ جدالی میان طرفین دعوی که در آن حقیقت، نه در ذات خود، بلکه در پیروزی استدلال های حقوقی معنا می یافت.؛ اما در ساختارهای نوین، حقوق دیگر صرفاً ابزار حل و فصل منازعات نیست، بلکه مکانیسمی برای



۴. تغییر نقش به وکیل به عنوان مصلح رویکردها

او اصلاح ساختار های حقوقی را در عصر فعلی پذیرفته است !
و به عنوان یک متخصص در تحلیل اقتصادی حقوق، می تواند
فرآیندهای حقوقی را به گونه ای هدایت کند که از هدررفت
منابع جلوگیری شود و تصمیمات سریع تر و مؤثرتر اتخاذ
شوند. با تغییر رویکرد جهانی در حوزه حقوق نسبت به :

– مدیریت حقوقی به جای مداخله پسینی

– تحلیل اقتصادی به جای تمرکز بر پیروزی در دعوی

– جهت بخشی از قانون به رویکرد های داده محور

اگر زمانی رونالد دورکین بر این باور بود که حقوق نباید صرفاً
بر تفسیر متن متکی باشد، بلکه باید به یکپارچگی در
ارزش های اجتماعی نیز توجه کند.

امروزه، این نظریه از سطح انتزاعی فراتر رفته و در قالب فناوری تنظیم گری
و هوش مصنوعی در تحلیل حقوقی نمود پیدا کرده است. و ما به تحول
فلسفی حقوق از قانون به حکمرانی داده محور، مبتنی بر حکمرانی دیجیتال و
تحلیل های الگوریتمی مواجه ایم.

امروز، این سخن بیش از هر زمان دیگری مصداق دارد. آینده حقوق متعلق به کسانی است
که بتوانند این نقش را فراتر از دفاع صرف به فرصتی برای سازماندهی بهتر روابط انسانی
و اقتصادی بازتعریف کنند. بر همین اساس، بر ما دانشگاهیان رسالتی است تا حقوقدانانی
تربیت کنیم که معمار نظام های حقوقی آینده اند ! و به عنوان وکیل مدرن، تسهیل گر
پویایی اجتماعی، مدیر ریسک های حقوقی، را فراگرفته اند تا از معماران اصلی حکمرانی
کارآمد باشند.



2. تغییر نقش از فردگرایی حرفه ای به نقش آفرینی نهادی «روشنفکر ارگانیک»

با تغییرات در اندیشه های نهادگرایان حقوقی مانند
داگلاس نورث معتقدند که سیستم های حقوقی باید با
تغییرات اجتماعی و اقتصادی همگام شوند.

آنتونیو گرامشی در مفهوم روشن فکر ارگانیک خود مطرح
کرد که نخبگان فکری باید در شکل دهی به ساختارهای
اجتماعی نقش آفرین باشند. بر همین اساس، وکیل دیگر
صرفاً نماینده یک فرد در فرآیند حقوقی نیست، بلکه
کنشگری است که در تولید و بازآفرینی هنجارهای
حقوقی در سطح کلان مشارکت دارد و با گذر از دفاع در
پرونده های منفرد نقش فعال در نهاد سازی حقوقی
دارد یعنی در طراحی مقررات، اصلاح رویه های اداری و
تدوین سیاست های حاکمیتی برای حکمرانی انعطاف
پذیر مشارکت دارد .

۳. تغییر نقش از دفاع صرف از موکل به بازآفرین پیوندهای اجتماعی و کاهش منازعات.

در گذشته، حقوق کیفری بر مجازات تأکید داشت؛ اما
امروز، با پذیرش مفاهیمی چون عدالت ترمیمی و پایان
کیفرگرایی محض، وکیل نه به عنوان ابزار مجازات،
بلکه به عنوان واسطه ای برای بازگرداندن تعادل اجتماعی
عمل می کند. در نتیجه او صرفاً از موکل دفاع نمی کند،
بلکه به دنبال بازآفرینی پیوندهای اجتماعی، کاهش
منازعات و احیای عدالت واقعی است.



شرح حال واقعه ی قتل در شب عروسی نازنین و بهزاد

نویسنده: بهار جلیلیان

دانشجوی کارشناسی رشته حقوق – دانشگاه هرمزگان

شرح حال واقعه ی قتل در شب عروسی نازنین و بهزاد:

تاریخ وقوع قتل: شب عروسی نازنین و بهزاد – سال ۱۳۹۷

مکان وقوع حادثه: خانه ی مشترک زوج جوان، محله ی ونک – تهران

مقتولین: نازنین (عروس) و بهزاد (داماد)

قاتلین: سهراب (برادر ساغر معشوقه ی سابق بهزاد) و فرهاد (دوست سهراب)

آلت قتاله: چاقو

انگیزه قتل: کینه و انتقام

نتیجه نهایی پرونده: دستگیری قاتلان، صدور حکم قصاص و اجرای آن – پرونده مختومه اعلام شد.

در نهایت، قاتلین بازداشت شده و در بازجویی ها به صراحت به ارتکاب قتل و تجاوز اعتراف کردند. هیچ یک نیز ابراز پشیمانی نکردند. خانواده های مقتولین خواستار قصاص شدند و پس از طی روند قضایی، حکم اعدام صادر و اجرا شد. پرونده، به صورت رسمی مختومه اعلام شد.

روایت پدر نازنین از ماجرا:

نازنین و بهزاد پیش از ازدواج با یکدیگر آشنا شده بودند. دخترم بهزاد را واقعاً دوست داشت، اما من به او اعتماد نداشتم. بهزاد گذشته ای مشکوک داشت و می دانستم با دختری دیگر – که بعدها فهمیدم نامش ساغر بوده – رابطه داشته است. مخالفت خود را با ازدواج اعلام کردم، اما در برابر اصرار نازنین و اصرار بیشتر بهزاد، در نهایت رضایت دادم؛ به شرط آن که بهزاد با گذشته اش قطع ارتباط کند.

شب عروسی در کمال آرامش برگزار شد. ما آنها را تا خانه ی مشترکشان بدرقه کردیم و با خیالی آسوده به خانه برگشتیم. اما فردای آن روز، خبری از نازنین نشد. تماس نمی گرفت؛ در حالی که همیشه عادت داشت با من در تماس باشد. ابتدا صبر کردم، سپس با او تماس گرفتم؛ پاسخی نبود. با بهزاد هم تماس گرفتم؛ باز هم بی پاسخ. گفتم شاید مشغول اند و بعداً تماس می گیرند، اما... هیچ وقت دیگر صدای آنها را نشنیدم.





اعترافات سهراب - برادر ساغر

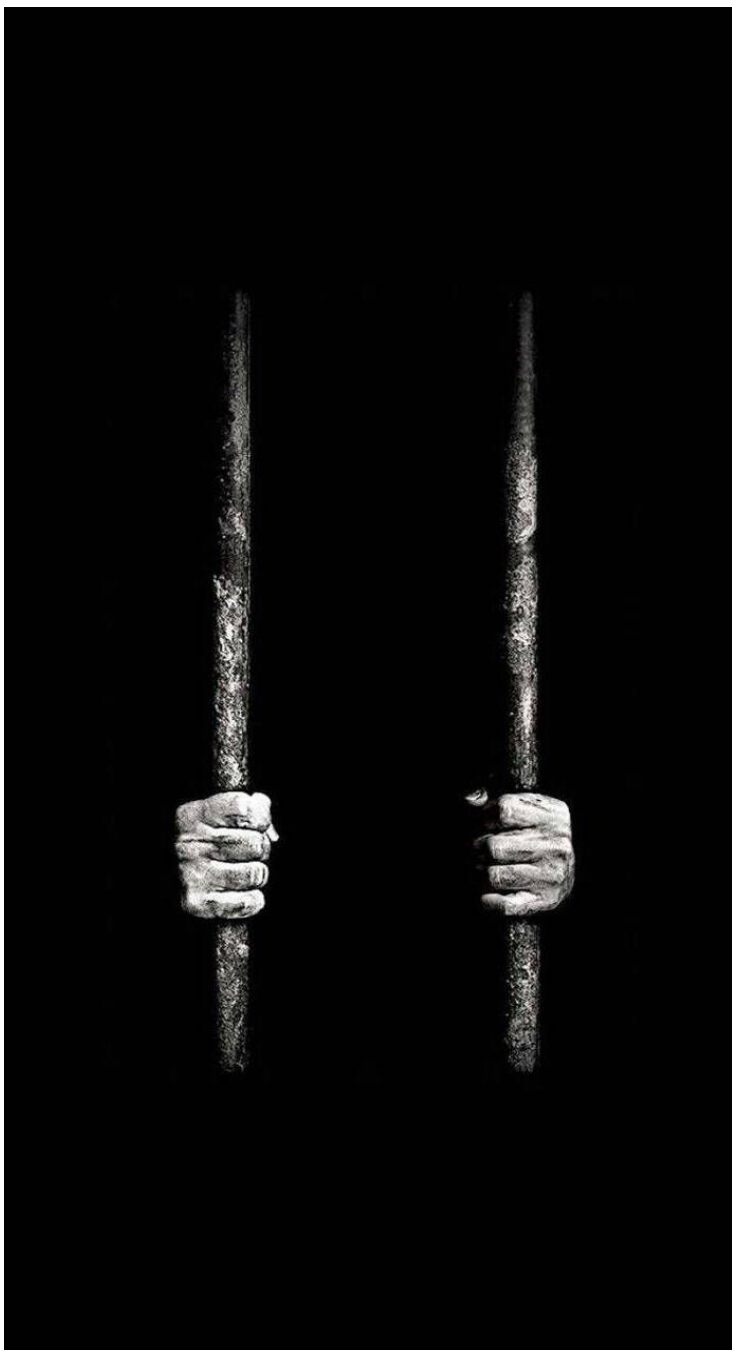
بهزاد به خانواده‌ی ما بی‌احترامی کرده بود و باید تقاص پس می‌داد. از او کینه داشتم. موضوع را با دوستم فرهاد مطرح کردم؛ فرهاد پیشنهاد داد که شب عروسی به خانه‌شان برویم تا فقط او را بترسانیم و زهرچشمی بگیریم. اما وقتی به خانه رسیدیم، شرایط تغییر کرد. هر دو نفرشان بیدار بودند. بهزاد مقاومت کرد، و من با چاقو به او زدم. فرهاد نازنین را به اتاق برد و تهدید کرد که اگر جیغ بزند، شوهرش را می‌کُشد. بهزاد را به صندلی بستم. او خونریزی داشت و سعی می‌کرد خودش را آزاد کند. از اتاق صدای بدی می‌آمد... فرهاد روی نازنین خوابیده بود. نازنین تقلا می‌کرد، و نمی‌توانست نفس بکشد. ناگهان بهزاد از پشت به من حمله کرد. دوباره چند ضربه‌ی دیگر به او زدم. بعد افتاد. وقتی فرهاد از روی نازنین بلند شد، متوجه شدیم که مرده است.

یافته‌های پلیس و پزشکی قانونی

با گذشت دو روز از بی‌خبری و نگرانی خانواده‌ها، مأموران پلیس به خانه‌ی نازنین و بهزاد مراجعه کردند. خودروی عروس و داماد همچنان در پارکینگ بود، اما هیچ‌کس در را باز نمی‌کرد. در نهایت، مأموران با دستور قضایی، وارد خانه شدند. با باز شدن در، بوی تعفن شدیدی فضا را پر کرد. در بررسی اولیه، جسد بهزاد در پذیرایی پیدا شد؛ با آثار متعدد ضربه چاقو. در ادامه، جسد نازنین نیز در اتاق خواب کشف شد. بر اساس گزارش پزشکی قانونی، علت مرگ بهزاد خون‌ریزی شدید ناشی از ضربات چاقو بوده و مرگ نازنین به دلیل ایست قلبی تحت فشار به قفسه سینه رخ داده است. همچنین، آثار شکستگی در استخوان‌ها، ضرب و جرح شدید، و تجاوز پیش از مرگ در جسد نازنین مشاهده شد. نکته مهم آن بود که هیچ نشانه‌ای از سرقت وجود نداشت. اشیای قیمتی سر جای خود باقی مانده بودند و مدت زمان حضور قاتلان در خانه - حدود یک ساعت - برای سرقت منطقی به‌نظر نمی‌رسید.

سرنخ‌ها و کشف هویت قاتلان: پلیس با بررسی گوشی‌های تلفن همراه بهزاد و نازنین، به شماره‌ای ناشناس برخورد کرد که بارها پیام‌هایی تهدیدآمیز برای بهزاد ارسال کرده بود. ردیابی شماره به دختری به نام "ساغر" رسید؛ دختری که مشخص شد معشوقه‌ی سابق بهزاد بوده و مدت‌ها با او رابطه داشته است. با احضار ساغر، ابتدا او اتهامات را انکار کرد، اما پس از مواجهه با پیام‌ها و مستندات، لب به سخن گشود و گفت: مدت‌ها با بهزاد در رابطه بودم. وقتی با نازنین آشنا شد، ناگهان من را کنار گذاشت و به قولش برای ازدواج عمل نکرد. شب‌ها گریه می‌کردم. بهزاد به حرف‌هایم توجه‌ی نمی‌کرد. در نهایت، موضوع را با برادرم سهراب در میان گذاشتم... اما هرگز تصور نمی‌کردم کار به چنین فاجعه‌ای بکشد.

شهادت همسایگان: همسایه‌ها گفته‌اند که شب حادثه، دو مرد جوان را دیدند که وارد آپارتمان شدند، اما خروج آن‌ها را ندیده‌اند. یکی از ساکنان گفته است: من صدای شادی و خنده می‌شنیدم، فکر می‌کردم به‌خاطر عروسی خوشحال‌اند. هرگز تصور نمی‌کردم آن صداها مربوط به فریاد کمک باشد. همچنین، دو نفر با صورت‌های پوشیده سوار بر موتور، هنگام خروج از ساختمان دیده شده بودند. در روزهای بعد، بوی تعفن کل ساختمان را فرا گرفته بود، اما هیچ‌کس دلیل آن را نمی‌دانست.





4. از دیگر علت های گریز از قانون می توان به شکل گیری احساس محرومیت در مردم ایران اشاره کرد. یک تئوری داریم به نام احساس محرومیت که با خود محرومیت فرق می کند. وقتی در جامعه ای محرومیت زیاد باشد، مردم هم به اصطلاح به آن محرومیت عادت بکنند، اتفاقی نمی افتد، اما زمانی که عده ای از مردم محروم اند و در مقابل عده ای تجملاتی زندگی می کنند، جلوه های فاصله بین فقیر و غنی بیشتر دیده می شود و مردم احساس محرومیت می کنند، هرچند ممکن است این قشر، قشر متوسطی باشند و بتوانند زندگی خود را به راحتی اداره کنند ولی در مقیاسه با قشر مرفه بسیار احساس محرومیت میکنند، در این حالت چه اتفاقی می افتد؟ جوانان می خواهند یک شبه پولدار شوند و یک شبه این فاصله را پر کنند و چون از راه قانونی نمی توان این فاصله را یک شبه طی کرد به راه های غیر قانونی متوسل می شوند و به قانون گریزی دامن می زنند.

به طور کلی قانون گریزی باعث تضییع حقوق فرد و جامعه می شود، یعنی حقوق فرد و جمع دچار خدشه می شود. وقتی این اتفاق می افتد افراد دیگر هم تشویق می شوند که از راه غیر قانونی حقوق شان را استیفا کنند و در نهایت قانون گریزی فراگیرتر می شود. در جامعه ای که قانون گریز می شود افراد عصبی، افسرده، ناراحت، نا آرام هستند و از زندگی رضایت ندارند. بی نظمی، هرج و مرج، تضییع حقوق اجتماعی از جمله پیامدهای قانون شکنی در این جامعه است.

پس باید با در نظر گرفتن علت ها به دنبال راه حل باشیم.

چرا از قانون می گریزیم؟

نویسنده: محدثه حسینی

دبیر انجمن دانشجویی رشته حقوق – دانشگاه هرمزگان

یکی از ویژگی های زندگی اجتماعی انسان، قاعده مند و نظام مند بودن آن است. شالوده اساسی نظام اجتماعی تعامل مبتنی بر نظم و قواعد رفتاری است.

قوانین از آن رو که برآمده از اراده جمعی است و میثاق اجتماعی و مستند مردم در یک حوزه سرزمینی است، برای همه شهروندان لازم الاجراء است. با وجود این، همه افراد جامعه به یک اندازه با قوانین رسمی هماهنگی ندارند و برخی افراد به اشکال مستقیم و غیر مستقیم و آشکار و پنهان سعی در عدول از موازین آن دارند. به همین سبب، طیفی از رفتارها در جامعه شکل می گیرد که یک سوی آن قانون گرایی و سوی دیگر، قانون گریزی است و شهروندان جامعه متناسب با میزان پذیرش و پیروی از قوانین مصوب، بر روی این طیف قانون گرایی – قانون گریزی توزیع می شوند. آن چه به عنوان قانون گریزی شناخته می شود، نوعی جهت گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که به کجروی یا انحراف از آن ها منجر می شود.

«قانون گریزی مترادف با نظم گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، انجام ندادن تکالیف، گریز از مسؤولیت و رسیدن به مقصود به هر طریق ممکن است»

در این یادداشت به 4 علت قانون گریزی در ایران می پردازیم:

1. تجربیات تاریخی مانند انقلاب ها و تغییرات نظام های سیاسی می تواند در شکل گیری نگرش مردم نسبت به قوانین تأثیر گذار باشد. تاریخ بر فرهنگ مردم چنان اثر گذارده است که برخی عادات و رفتارها در روح و روان ملت رسوخ کرده و نهادینه شده است. واقعیت این است که ایرانیان چندین هزار سال با استبداد دست و پنجه نرم کرده اند و حکومت ها، حکومت های مستبدی بودند و این حکومت های مستبد مردم را از حکومت و قوانینی که حکومت وضع می کرده دل زده کردند، به صورتی که این ذهنیت در طول تاریخ به باور عمومی مردم ایران تبدیل شده است که هر آن چه حکومت می گوید و هر قانونی که وضع می کند به نفع خودش است نه به نفع مردم، به همین دلیل فرهنگ حکومت ستیزی در آن ها به وجود آمده است.

و یا اینکه در طول تاریخ حکومت ها مقبولیت مردمی و عمومی نداشتند و بدون رضایت مردم بر سر کار می آمدند به همین دلیل مردم حکومت را از خود نمی دانستند و حکومت هم به دنبال کسب رضایت مردم نبوده است. فلذا قوانینی که چنین حکومتی وضع بکند مورد قبول مردم واقع نخواهد شد.

2. در برخی موارد، فرهنگ ها و عرف های محلی ممکن است با قوانین ملی تعارض داشته باشند و مردم ترجیح دهند از هنجارهای محلی پیروی کنند.

در طول تاریخ ایرانیان زندگی عشایری داشته اند و به صورت عشیره ای زندگی می کردند و زندگی عشایری طبقات خاص خودش را دارد، آن جا هنجارها خیلی معنا پیدا نمی کنند و مردم خیلی آزادتر هستند. در واقع مانند زندگی شهری نیست که تضاد منافع و تضاد حقوق پیش بیاید، به همین دلیل زمانی که کسی از روستا یا عشیره ای شهر کوچ می کند، در پذیرش هنجارها با مشکل روبرو خواهد شد، این اتفاق به این دلیل است که هنجارها در شهر بسیار زیاد است و این فرد اصلا برای جامعه پذیری اینگونه بار نیامده است، زمانی که ایرانیان در طول تاریخ اینگونه رشد کرده اند، بالتبع دوست دارند آزادتر و بی قانون تر باشند به عنوان مثال مردم در روستا ماشین خود را هرجا که بخواهند پارک می کنند ولی در شهر چنین حالتی نیست .

3. یکی دیگر از علت ها ضعف خود قوانین است، قوانین ما ضعف های زیادی دارند؛ قوانین ما متشت و قدیمی هستند، ناکارآمد هستند، برخی قوانین با هم موازی و چه بسا متعارض هستند، و برخی دیگر غیرمنعطف هستند. قانون باید با در نظر گرفتن افراد جامعه قابل انعطاف باشد. همچنین گاهی قوانین متناسب با وضع جامعه تصویب نمی شوند، مثال: پلیس نهایت سرعت را در اتوبانی که چهاربانه است 60 کیلومتر بر ساعت تعیین می کند در حالی که این مسیر اقتضای سرعت بالاتری دارد و تقریبا همه مردم این قانون را نقض می کنند، در این حالت نقض قانون عادی میشود انگار که پلیس پذیرفته من سرعت را شصت کیلومتر قرار می دهم تا نهایتا راندها با سرعت هشتاد کیلومتر حرکت کنند، این نگاه باعث می شود که قانون گریزی در جامعه به صورت فرهنگ در آید.



کودک همسری

نویسنده: حسین سالاری

لیسانس رشته حقوق – دانشگاه هرمزگان



چکیده

در ساده ترین تعریف کودک همسری به معنای ازدواج یا تشکیل خانواده در سنین پایین است، کودک همسری در بسیاری از جوامع به عنوان یک مشکل اجتماعی و حقوق بشری مطرح است. ازدواج در سنین کودکی پدیده‌ای شوم و ناگوار است که از طرفی کودک را از چشیدن طعم شیرین کودکی محروم کرده و از سوی دیگر زمینه بروز آسیب های اجتماعی و فردی متعدد را پدید می‌آورد. کودک همسری افزون بر آثار نامطلوب فردی و اجتماعی؛ محتمل است که منجر به بروز جرایم مختلف خانوادگی، قتل‌های ناموسی، سوء استفاده جنسی و معذالک گردد که بر این اساس، ضرورت براین است تا قانونگذار در جهت رفع این بحران، اقدامات مقتضی را انجام دهد، اقداماتی از قبیل اصلاح مواد قانونی با توجه نیاز های روز جامعه، روشن سازی مفاهیمی که امکان برداشت های متنوع و گوناگون از آن وجود دارد، همچنین نگاهی به قوانین سایر کشورها و استفاده از رویکرد تطبیقی و تجربه های آنها هم میتواند راهگشا باشد.

همچین سن ازدواج در قوانین ایران دگرگونی های زیادی به خود دیده اما گاه با افراط همراه بوده و گاه با تفریط و فی الحال هم نتوانسته خود را با نیاز های روز جامعه تطبیق بدهد و همچنان نیاز به اصلاح دارد.

کلید واژگان: کودک همسری، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی،

سن ازدواج، اصلاح، رویکرد تطبیقی

مقدمه

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ بیش از ۱۳۱ هزار دختر زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند.

از سال ۱۳۹۶ به بعد متوسط ازدواج دختران زیر ۱۵ سال سالانه حدود ۳۰ هزار نفر بوده در حالی که ۱۲۳ پسر زیر ۱۵ سال در پنج سال گذشته هم جزو این آمار قرار گرفته‌اند؛ پیشتر نیز مرکز آمار ایران از افزایش ۱۰.۵ درصدی آمار ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در سال ۹۹ در مقایسه با سال پیش از آن خبر داده بود.

در شش ماه اول سال ۱۴۰۰ تعداد ۷۹۱ کودک از مادرانی با سن ۱۰ تا ۱۴ سال متولد شدند و استان سیستان و بلوچستان با تولد ۲۴۸ نوزاد از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله در صدر این آمار قرار داشت، این برآوردها تنها مربوط به ازدواج‌های ثبت‌شده در سازمان ثبت احوال کشور است و احتمال دارد که

آمار واقعی بیش از این موارد باشد، همچنین یک پژوهشگر اجتماعی (م، ع) با استناد بر پژوهش صورت گرفته با بیان اینکه ۱۷ درصد از ازدواج‌های کشور مربوط به دختران زیر ۱۸ سال است، گفت: ۱۴ هزار کودک بیوه زیر ۱۸ سال در کشور وجود دارد، مرگ و میر مادران زیر ۲۰ ساله پنج برابر سایر مادران است، همچنین به دنیا آوردن نوزاد نارس و مرگ نوزادان و یا کمبود وزن نوزادان در در زنان زیر ۱۸ سال به دلیل عدم بلوغ کامل جسمی و عدم آگاهی از روش‌های پیشگیری بیشتر بوده است. از نقطه نظر اجتماعی هم میتوان به ترک تحصیل، محرومیت از فرصت‌های شغلی و اجتماعی اشاره کرد زیرا میان ازدواج زودرس و تحصیلات پایین ارتباط وجود دارد به گونه ای که بعد ازدواج دسترسی دختران به آموزش به دلیل مسائل خانوادگی زایمان و نگهداری کودک و مشکلات دیگر محدود می گردد، آسیب های اجتماعی علاوه بر دختران به پسران هم آسیب وارد می کند. چرا که به صورت عرفی پسر مجبور است مسولیت زندگی را بر عهده بگیرد و به نوعی نان آور خانه تلقی میگردد و باید تن به کار های دشوار برای امرار معاش بدهد و پسران در سنین پایین توان کافی برای تحمل این بار سنگین را ندارند و نتیجه این امر برای آنها ترک کردن خانه و همسر و فرزند است. آنچه خواندید تنها بخش کوچکی از آمار های مربوط به کودک همسری و اثرات مخرب آن در ایران است، کودک همسری گرچه به طور قابل توجه ای در حال افزایش است اما محصول چند ساله گذشت نیست، به طور مثال تاورنیه از سفرنامه نویسان دوران صفویه در سفرنامه خود این چنین می نویسد: ایرانی ها عادت دارند فرزندان خود رو از نه یا ده سالگی نامزد کنند، همچنین شاردن فرانسوی در جلد دوم سفرنامه اش در بخشی با عنوان مراسم عروسی در دوره شیرخوارگی از نامزدی اطفال شیرخوار پرده برداشته‌اند.

گویا در این موارد رفتار با انسان همچون رفتار با ملک و املاکی بوده است که به نام دیگری زده میشد و قوه اختیار و انتخاب از او سلب میشد. مسافران خارجی دلایلی مثل فقر خانواده ها، محافظت از دختران در برابر دست درازی شاهان و اربابان، استحکام روابط خویشاوندی، سفارشات دین اسلام و رسم و رسومات را از دلایل نامزدی در سن پایین بیان کرده اند.

بخش اول:

نگاهی به یکی از مواد قانونی مرتبط با کودک همسری:

تقریباً همه چیز به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی برمی گردد.

این ماده اولین بار در سال ۱۳۱۳ به تصویب رسید و بر اساس آن حداقل سن ازدواج دختران ۱۵ و پسران ۱۸ سال بود؛ ازدواج در سنین کمتر با رعایت شرط مصلحت و پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه‌ی ازدواج انجام می‌گرفت. در سال ۵۳ این سن برای دختر به ۱۸ و برای پسر به ۲۰ سال افزایش پیدا کرد.

در سال ۱۳۶۱ بار دیگر قانون گذاران اقدام به تغییر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی نموده و ناگهان حداقل سن ازدواج را از ۱۸ و ۲۰ سال تمام شمسی به ۹ و ۱۵ سال تمام قمری کاهش دادند.این اقدام آنان از دید برخی حقوق دانان و فعالین اجتماعی، اقدامی شتابزده و مغایر با واقعیت های آن زمان جامعه ی ایران تلقی شد اما با وجود تمام انتقاداتی که به ماده ی ۱۰۴۱ وارد شد، این ماده از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۱ بدون هیچ گزندی برجا ماند، است.هر چند سال 79مجلس طبق مصوبه‌ای سن ازدواج را برای دختر ۱۵ و برای پسر ۱۸ سال رساند ولی با سد مخالفت شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت روبه‌رو شد.

در همین سال بود که کودک همسری روی تلخ و خشنش را به طور گسترده آشکار کرد و احساسات عمومی را برانگیخت؛

رها دختری ۱۱ ساله بود که پدرش او را به ازای ۱۵ میلیون تومان بدهی به عقد طلبکارش که مردی ۵۵ ساله بود درآورده بود،دختر دیشموکی چند سال بعد وقتیکه باردار بود تاب و توان زندگی سخت ناشی از کودک همسری را نیاورد و خودشوزی کرد این‌ها و هزاران هزار مورد دیگر فراکسیون زنان مجلس را برآن داشت تا به یاری ”رها“های دیگر جامعه بشتابد در نتیجه توانست فوریت طرح «ممنوعیت ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال» را به تصویب برساند و برای مقابله با این پدیده طرحی ارائه دهد که بنا بر آن حداقل سن ازدواج را برای دختر ۱۶ و برای پسر ۱۸ سال قرار داده و ازدواج بین ۱۳ تا ۱۶ سال را منوط به اجازه ولی به شرط مصلحتو تشخیص دادگاه صالح مجاز می‌دانست. این طرح و فوریت با فتوای مرجع تقلیدی چون آیت‌الله مکارم شیرازی پشتوانه‌ی فقهی هم به دست آورده بود اما در نهایت توسط کمیون قضایی مجلس متوقف شد. گفته می‌شود به واسطه ی پیام‌های تهدیدآمیز، نمایندگان حمایت خود را دریغ کردند.

اما چرا این طرح رای نیاورد؟

طبق تعریف سازمان ملل متحد و پیمان‌نامه ی حقوق کودکان به افراد زیر ۱۸ سال تمام کودک می‌گویند مگر آن که مطابق قانون حاکم بر آن شخص سن کمتری برای رشد او مقرر شده باشد؛ از منظر موافقان کودک همسری این سن به ژنتیک و فرهنگ و اقلیم جغرافیایی که شخص در آن بزرگ می‌شود نسبت داده.

پس نمی‌توان دختر ۱۵ ساله را کودک به شمار آورد که با توجه به دسترسی به اینترنت از نسل قدیم خود می‌تواند حتی آگاه‌تر باشد. عده‌ای نگران این بودند که در مورد هیجانات جنسی نوجوانان چه کار باید کنند؟ و راه‌حل کنار آمدن با این هیجانات را ازدواج می‌دانند. عده‌ای دیگر چنین طرحی را الگوبرداری شده از کشورهای غربی می‌دانستند و مناسب شرایط فرهنگی اقصی نقاط ایران نمی‌دانند و حتی از اقوام درجه‌ی یک خود مثال می‌آوردند که در ۹ سالگی ازدواج کرده‌اند ولی درگیر مشکلی نشده‌اند. تعدادی این طرح را دامن زدن به افزایش سن ازدواج قلمداد می‌کردند و علت مخالفتشان این بود که ما باید سن ازدواج را پایین بیاوریم نه آن‌که آن را برای عده‌ای ممنوع کنیم!

نهایتاً در سال ۱۳۸۱ قانون گذاران وقت مصمّم شدند تا با تغییر مجدد این ماده، حداقل سن قانونی برای ازدواج را قدری افزایش دهند. ۹ سال تمام قمری برای دختران به ۱۳ سال تمام شمسی تغییر یافت و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران به ۱۵ سال تمام شمسی بدل شد. در واقع حد اقل سن ازدواج برای دختران افزایش قابل ملاحظه ای یافت ولی برای پسران تغییر چندانی نداشت. البته باید به این نکته ی مهم توجه داشت که در سال ۱۳۸۱ ازدواج اطفال زیر ۱۳ و ۱۵ سال به کلّی منع نشد بلکه قانون گذاران برای تامین نظر شورای محترم نگهبان، متن ماده را اینچنین تنظیم نمودند:

عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولیّ، به شرط رعایت مصلحت و با تشخیص دادگاه صالح.

همان طور که ملاحظه می شود در حال حاضر با سه شرط می توان دختران و پسران زیر ۱۳ و ۱۵ سال را آماده ی ازدواج دانست، امری که از دید بسیاری از صاحب نظران غیر منطقی می نماید و متأسفانه در حال شیوع است.

بخش دوم نقد ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی:

الف مشخص نبودن تفاسیر:

الف 1 مفهوم مصلحت

ماده ۱۰۴۱ ق.م اظهار می دارد که اذن ولی مقید است به رعایت مصلحتی که دادگاه صالح تشخیص داده باشد؛ اما اینکه مفهوم مصلحت در این ماده به چه معنا است باعث بوجود آمدن پرسشهایی می گردد از جمله اینکه مفهوم مصلحت چه مواردی را در برمی گیرد و این موارد با چه معیاری سنجیده میشود؟ آیا معیار نوعی است یا شخصی؟ حدود رعایت آن تا کجاست و مصلحت چه کسی مورد نظر است؟ باید مصلحت کودک را در نظر داشت یا طرفین ازدواج؟ و اینکه آیا وجود مصلحت الزامی است یا صرف نبود مفسده هم کافی است؟



الف 2: احراز مصلحت توسط دادگاه صالح

ماده ۱۰۴۱ ق.م احراز مصلحت ازدواج صغار را به منوط به تشخیص دادگاه صالح کرده است. همانطور که در مطلب قبلی اشاره شد چون موارد مصلحت مشخص نیست دادگاه میتواند به صورت اختیاری هر آنچه را که صلاح کودک میداند احراز کند و نظرات کارشناسی مربوطه را برای تصمیم گیری اخذ نماید با این همه تجربه در اینگونه موارد نشان داده که اختیاری بودن احراز موارد معمولاً تاثیر عکس داشته و مسئولین خود را ملزم و متعهد به انجام دقیق آن نمی بینند در حالیکه اگر موارد مصلحت و شیوه ارزیابی آنها مشخص باشد چه برای مراجعه کننده و چه برای خود دادگاه الزام آور است. متأسفانه همانطور که این فقها و حقوقدانان در تبیین مفهوم اذن ولی و مصلحت اختلاف وجود دارد دادگاهها نیز از این تشتت بی بهره نمانده اند و برخی تنها بر اساس اینکه از ماده نهاد ولایت را برداشت میکنند و ولی اصولاً باید رعایت مصلحت مولی علیه خود را در نظر داشته باشد به صرف مراجعه ولی کودک و ابراز رضایت بدون تحقیق از کودک اجازه ازدواج را صادر میکنند گاهی اوقات قضات به نظریه کارشناسی پزشک قانونی در مورد بلوغ جسمانی اکتفا کرده و رشد و بلوغ عقلانی کودک برای تشکیل زندگی و یا رضایت وی را بررسی نمی نمایند.

ب: سایر ایرادات

شروط 3 گانه برای ازدواج کودکان

در حال حاضر با 3 شرط می‌توان دختران و پسران زیر 13 و 15 سال را آماده ازدواج دانست. امری که از دید صاحب نظران غیرمنطقی و خلاف واقع است. این سه شرط عبارتند از:

1- اذن ولی طفل 2- رعایت مصلحت طفل 3-تشخیص دادگاه. که در واقع در سال 1381 قانونگذار به نوعی به قانون 1313 بازگشته و دامنه شمول استثنایی موجود در آن زمان در خصوص ازدواج اطفال را وسیع‌تر کرده است. از سال 1381 تاکنون ماده 1041 قانون مدنی بدون تغییر مانده و این در حالی است که جامعه جوان ایران در یک دهه گذشته ناظر بر تغییرات قابل ملاحظه‌ای بوده است و هنوز تناقض‌های عجیب بالا رفتن تدریجی سن ازدواج را تجربه می‌کند. با این وجود ماده 1041 هنوز حکم می‌راند و قربانی می‌گیرد. کودکان قربانیان ماده 1041 هستند که طی سه شرط فوق ذکر شد. پدر اذن می‌دهد و کودک را آماده ازدواج می‌داند. همچنین دادگاه با رعایت مصلحت طفل می‌تواند حکم ازدواج کودک را صادر کند. حال سوال اینجاست کدام مصلحت می‌تواند کودک تازه بالغ شده را تبدیل به نوعروسی کند که هنوز کودکی نکرده و باید از دوران کودکی وارد مرحله زناشویی شود؟ او فقط یک کودک است ماده‌ها و تبصره‌ها با حمایت قانونگذاران اجازه نوعروس شدن کودکان را می‌دهند. تور سفید بر سرشان می‌اندازند و کودکان را عروس می‌کنند و آنان را وارد کابوسی به نام زندگی می‌کنند. حال؛ نوعروسان کوچک به جای به آغوش کشیدن عروسک‌هایشان باید به وظایف زناشویی خود فکر کنند که تصورش سخت و دردناک است. جسم رنجور و نحیف یک کودک 10 و 11 ساله چگونه می‌تواند باردار شود؟ کودکی که خود در حال رشد است چگونه می‌تواند کودک دیگری را در وجود خود بپرورد و مادر شود؟

این قانون علاوه بر اینکه کودک‌همسری در ایران را رواج می‌دهد، با سایر قوانین هم تناقض دارد. مثلاً کودک زیر 15 سال امکان حضور در دادگاه را ندارد و نمی‌تواند تا 18 سالگی اموالش را در اختیار داشته باشد. وقتی کودک زیر 15 سال ازدواج می‌کند در صورت فوت و غیبت شوهر با توجه به سن قانون کار که 15 سال است برای امرار معاش و گذران زندگی باید چه کند؟ در صورت فوت شوهر چگونه می‌تواند سهم‌الارث و مهریه خود را مطالبه کند؟ در واقع فلسفه نکاح سعادت فرد و جامعه و ایجاد آرامش روحی برای زوجین است. دختر و پسر باید در سنی ازدواج کنند که معنای زناشویی و مسوولیت‌های ناشی از آن را درک کرده و از توانایی تربیت فرزند برخوردار باشند حکم ماده ۱۰۴۱ اجازه ازدواج به کودکان را در زمانی می دهد که حتی برای دریافت گواهینامه رانندگی و شرکت در انتخابات صلاحیت ندارند!

بخش سوم: نگاهی به قوانین سایر کشورها

در حال حاضر اغلب کشورها در قوانین مدون خود حداقل سن ازدواج را تعیین کرده اند. بعد از تصویب مقررات بین المللی نظیر کنوانسیون حقوق کودک و میثاق حقوق مدنی ،سیاسی اغلب کشورها خود را ملزم به تغییر و انطباق با این قوانین کرده اند.

کشورهای عربی اسلامی با توجه به اشتراکات فراوان خود روند تحول نسبتا مشابهی را در حقوق خانواده پیموده اند. قانون احوال شخصیه عراق در مواد ۷ و ۹ خود سن ازدواج دختر و پسر را ۱۸ سال تمام معین کرده است به همراه این استثنا که در صورت اقتضا و قابلیت جسمانی با موافقت ولی و دادگاه بعد از ۱۶ سالگی نیز ازدواج ممکن است. در قانون احوال شخصیه کویت در ماده ۲۴ اهلیت ازدواج بر عقل و بلوغ شرط شده و در ماده ۲۶ سن ازدواج را ۱۵ برای دختر و ۱۷ برای پسر اعلام می دارد. در امارات متحده عربی حداقل سن ازدواج دختران ۱۲ سال مقرر شده است .

در کشور سوریه سن ازدواج برای پسران ۱۸ و برای دختران ۱۷ سال تعیین شده است با این استثنا که اگر پسران بعد از ۱۵ سال و دختران بعد از ۱۳ سال متقاضی ازدواج باشند قاضی می تواند با بررسی ادعا و احراز شرایط جسمی اجازه ازدواج بدهد در پاکستان دختران زیر ۱۶ سال و پسران زیر ۱۸ سال از ازدواج ممنوع شده اند ولی ازدواجهای زیر سن قانونی در قبایل و روستاها وجود دارد همان در ترکیه سن ۱۸ سال برای ازدواج مقرر شده و با رضایت والد تا بعد از ۱۶ سال نیز ازدواج ممکن است کشور مصر سن ۲۱ سال را سن قانونی ازدواج تعیین کرده ولی ازدواج دختران بعد سال ۱۶ و پسران بعد از ۱۸ سال را تحت شرایطی ممکن کرده است در عمان و مراکش نیز ۱۸ سالگی سن قانونی ازدواج است.

همچنین با نگاهی به سایر کشورهای آسیایی می بینیم در چین سن ازدواج مرد نباید کمتر از ۲۲ سال و زن قبل ۲۰ سال باشد، در ژاپن نیز حداقل سن ازدواج ۲۰ سال تعیین شده است،سن ازدواج در هند نیز برای دختران ۱۸ و برای پسران ۲۱ سال تعیین و ازدواج قبل این سن ممنوع شده است؛ با وجود این ازدواج در سنین پایین به شکل گسترده در این کشور به ویژه در روستاها رواج دارد، چنانکه در راجستان طی مراسمی صدها دختر و پسر زیر ۷ سال به عقد یکدیگر در می آیند. در کشورهای اروپایی و امریکایی: سن ازدواج در ایالتهاى مختلف آمریکا در محدوده ۱۳ تا ۲۱ سال است ولی در اکثر ایالات ۱۸ سالگی را سن ازدواج تعیین کرده اند و افراد میتوانند قبل از این سن با رعایت قوانین ازدواج کنند؛ اجازه والدین و اجازه دادگاه از جمله شروط ازدواج قبل ۱۸ سال در ایالات متحده است. البته در برخی ایالات در صورت بارداری دختر فقط اجازه دادگاه مبنی بر ازدواج کافی است. در برخی ایالات نیز ازدواج زیر ۱۶ سال مطلقا ممنوع شده است.قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۴۴ خود سن ازدواج را ۱۸ سال معین کرده است. در انگلستان نروژ ،آلمان، روسیه اتریش و ایتالیا ۱۸ سالگی سن ازدواج تعیین شده است. کشورهای لاتین و اقیانوسیه :در برزیل و آرژانتین ۱۸ سال ونزوئلا ۱۲ سال مکزیک و شیلی ۱۸ سال با امکان ازدواج قبل این سن بعد از ۱۴ سالگی در دختران و ۱۶ سالگی در پسران؛ در استرالیا و نیوزیلند نیز ازدواج ۱۶ تا ۱۸ سال مشروط و بعد از ۱۸ سال آزاد است. در دو کشور استرالیا و نیوزیلند نیز ۱۸ سال مقرر شده است.

کشورهای آفریقایی: در کنیا ازدواج دختران زیر ۱۶ سال اعتبار ندارد و سن ازدواج ۱۸ سال تعیین شده است سن ازدواج در غنا ۱۸ سال و در الجزایر ۱۹ سالگی سن ازدواج برای پسران و دختران .است در آفریقای جنوبی ۲۱ سال سن ازدواج است ولی با محدودیت هایی دختران بعد ۱۵ و پسران بعد ۱۸ سالگی قادر به ازدواج خواهند بود.

در نهایت با عنایت به سن قانونی ازدواج در ملل مختلف ملاحظه شد که این سن از ۱۲ تا ۲۱ سال در نوسان است اما بیشتر کشورها برای ازدواج قبل ۱۸ سال شرط و محدودیت در نظر گرفته اند. در بررسی مقررات کشورها عرف جهانی ثابتی درباره سن مناسب ازدواج وجود ندارد اما نوعی تمایل عمومی به سمت سنین بالاتر از ۱۶ برای دختران و ۱۸ برای پسران دیده میشود.

با تمام اوصاف ذکر شده و الزامات معاهدات و سازمانهای بین المللی شایسته است حداقل سن ازدواج در قوانین موجود ایران نیز به سمت معیار نسبی جهانی تغییر کند یا دست کم با اصلاح قوانین معیارهای مستحکم تری در جهت استثنایی تر کردن ازدواج کودکان ارائه دهد؛ به این صورت که ازدواج کودکان فقط در شرایط بسیار اضطراری و بطور کاملا استثنایی قابل وقوع باشد.

بخش چهارم نتیجه گیری و طرح پیشنهاد:

کودک همسری در حال حاضر یکی از اشکال خشونت علیه کودکان است که در تمام کشورها اتفاق میافتد ولی آمار آن در کشورهای کمتر توسعه یافته به شکل قابل توجهی بیشتر است. در بیشتر این کشورها شکل زندگی به صورت سنتی است و رسوم فرهنگی بر هر چیزی غلبه دارد در ایران نیز سالانه در حدود ۲۰ هزار ازدواج زودهنگام به ثبت میرسد و موانع قانونی موجود در نیل به اهداف قانونگذار مبنی بر کاهش کودک همسری راهگشای مسئله نبوده اصلاحات قانونی در جهت رفع این معضل ناتوان بوده

و عملا قانون در این زمینه کارکرد خود را از دست داده است قوانین فعلی نیازمند اصلاح هستند و تدوین قوانین مکمل نیز در حل مسئله راهگشا خواهند بود. عدم پیشبینی ضمانت اجرای مناسب عدم تعیین مبنای مصلحت، ضعف در رویه قضایی، عدم الزام به ثبت قانونی ازدواج های موقت عدم نفوذ قانون در برخی مناطق از جمله مشکلات در قوانین موجود است؛ همچنین در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی سن معین شده منطبق با معیارهای جامعه ایرانی و بین المللی ارزیابی نشده است که با توجه به فشار محافل جهانی و وجود عرف نسبی در سن ازدواج شایسته بازنگری می باشد. با بررسی صورت گرفته پیشنهادات صاحب نظران و نگارنده برای رفع مشکلات به این شرح است:

افزایش دادن سن ازدواج و نزدیک شدن به تغییرات عرف داخلی (در حال حاضر بسیاری از ایرانیان از ازدواج زودهنگام به ویژه در کودکان کراهت دارند) و جهانی،

پیشبینی سن ممنوعیت مطلق ازدواج، ایجاد حداکثر فاصله سنی در ازدواج،ارائه معیارهای عینی تر و چند بعدی برای احراز مصلحت مانند الزام به جلب نظر کارشناس برای بررسی شرایط جسمی روانی، تحصیلی، مالی و ... برای ازدواج

افزایش قدرت نفوذ قانون و ایجاد دسترسی مناسب به امکانات قانونی در مناطق روستایی و عشایرنشین در این مناطق حتی اعمال قانون سربازی نیز با دشواری همراه است. پیشبینی ضمانت اجرای هوشمندانه تر با نظر به اینکه استفاده نامناسب از ابزارهای قانونی نظیر ممنوعیت مطلق و جرم انگاری آن می تواند موجب افزایش ازدواج های غیر ثبتی در مناطق روستایی و عشایری شود و اثر آن در جامعه هدف معکوس شود همچنین منع ازدواج موقت کودکان یا الزام به ثبت ازدواجهای موقت بویژه ازدواجهای موقت کودکان و پیش بینی امکان ازدواج کودکان بدون ولی نظر به این واقعیت که شرایط قومی فرهنگی نقش پررنگی در ابعاد مسئله کودک همسری دارد در کنار پیشبینیهای قانونی نیازمند به ارتقای فرهنگی – اجتماعی نیز هستیم؛ بدین منظور از طریق آموزش و آگاهی بخشی به افراد و برنامه ریزی فرهنگ سازی و ترمیم و اصلاح خرده فرهنگ ها نیز ضروری مییاشد.

کودکان بخشی مهم از جوامع هستند و مشکلات آنها در تمام جامعه اثر گذار خواهد بود کودک همسری به عنوان یک مشکل بر تمام جامعه اثر سوء خواهد داشت مواردی از جمله ترک تحصیل مشکلات ،باروری افزایش طلاق و.... از این رو به مانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته ازدواج کودکان باید تبدیل به امری استثنایی و بنا به ضرورت باشد تا از اثرات سوء بعدی آن جلوگیری شود.

نگاهی اجمالی به سقط جنین از منظر حقوق بین الملل بشر و نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

نویسنده: دکتر منصور فرخی، دانشیار گروه حقوق دانشگاه هرمزگان

نویسنده: زهرا هاشمی، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه هرمزگان



آنچه در این مقاله میخوانید :

در این مقاله به بررسی ابعاد مختلف موضوع سقط جنین پرداخته ایم. ابتدا به علل سقط درمانی می پردازیم؛ شرایطی که در آن سلامت مادر یا جنین در خطر است و پزشکان ناگزیر به تصمیم گیری دشوار می شوند. سپس قوانین متنوع ایالت های مختلف آمریکا را مرور می کنیم که هر یک رویکرد متفاوتی نسبت به این موضوع دارند. در بخش سوم، به بررسی دیدگاه های دو جبهه اصلی یعنی طرفداران حق حیات (Pro-life) و طرفداران حق انتخاب (Pro-choice) می پردازیم. در نهایت، همه پرسی سرنوشت ساز ۵ نوامبر ۲۰۲۴ را معرفی می کنیم که می تواند نقش مهمی در تعیین آینده قوانین سقط جنین در آمریکا داشته باشد.

1- علل سقط درمانی 2- قوانین مختلف ایالتی در زمینه سقط جنین 3- طرفدار زندگی یا طرفدار انتخاب 4- همه پرسی ۵ نوامبر ۲۰۲۴

مقدمه

سقط جنین ممکن است به صورت اتفاقی یا عمدی انجام شود. سقط جنین عمدی در برخی کشورها از جمله ایران غیرقانونی است و برای آن مجازات تعیین شده است. با این حال، تحت شرایط خاصی می توان با مراجعه به پزشک و دریافت مجوز از کمیسیون سقط قانونی، اقدام به سقط جنین کرد. سقط جنین عمدی ممکن است به دلایل پزشکی یا بنا به انتخاب مادر انجام شود. هر یک از این انواع سقط، بسته به کشور، شرایط و قوانین خاص خود را دارد. گاهی اوقات، بارداری ممکن است شرایط طبیعی نداشته باشد و ادامه آن منجر به عوارض جدی مانند تهدید جان مادر، تولد نوزاد ناقص یا مرده زایی شود. در این شرایط، پزشکان برای جلوگیری از تولد نوزادی با مشکلات جدی یا به منظور حفظ سلامت جسمی و جان مادر، اقدام به سقط جنین می کنند که به آن سقط جنین درمانی می گویند. عللی که ممکن است به سقط جنین درمانی بیانجامد، می تواند به مشکلات مادر و یا جنین ارتباط داشته باشد.

برای مطالعه کامل مقاله، لطفاً رمزینه زیر را با استفاده از تلفن همراه خود اسکن فرمایید.



Scan me!!!

منابع

- مصاحبه ای با دکتر محمد تقی دشتی

- 1 مرکز آمار ایران.
- 2 احمدی، کامیل). ۱۳۹۸. (طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران چاپ اول، تهران: نشر شیرازه.
- 3 اسدی، لیلا سادات. (۱۳۷۸). نقد و بررسی قوانین ثبت ازدواج فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، (۴۰)، ۱۰۳-۱۳۰.
- 4 امید، جلیل. (۱۳۷۷). تجویز ازدواج صغار. مقالات و بررسی‌ها، (۶۳)، ۸۳-۱۰۰. تهران.
- 5 سازمان ثبت احوال کشور). ۱۳۹۷. (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور. تهران: دریای نور.
- 6 سازمان ثبت احوال کشور). ۱۳۹۸. (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور. تهران: دریای نور.
- 7 سازمان ثبت احوال کشور). ۱۳۹۹. (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور. تهران: دریای نور.
- 8 سازمان ثبت احوال کشور). ۱۴۰۰. (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور. تهران: دریای نور.
- 9 سازمان ثبت احوال کشور). ۱۴۰۱. (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور. تهران: دریای نور.
- 10 آذری، هاجر و میراحمدی، منیره. (۱۳۹۸). رویکرد قضایی به تشخیص مصلحت در ازدواج کودکان. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال دهم، شماره ۴۰، ۱-۲۸.
- 11 مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. اظهار نظر کارشناسی درباره طرح اصلاح ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی (اصلاحی مصوب ۱/۴/۱۳۸۱). گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌ها.
- 12 صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله). ۱۳۹۸. (مختصر حقوق خانواده. چاپ پنجاه و دوم، تهران: نشر میزان.
- 13 قاسم‌زاده، مرتضی). ۱۳۹۶. (حقوق مدنی: اشخاص و محجورین. چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات سمت.
- 14 توحیدلو، حمیدرضا؛ حسینی، زهراالسادات و اسالمی، داود. چالش‌های حقوقی کودک‌همسری بر مبنای ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی. ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت، دانشگاه زنجان.